

آرمان امام

« پیام امام خمینی به ملت ایران در سالروز کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه‌ی ۵۹۸ »

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت ایران!

« لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِينَ. ^(۱) »

علی‌رغم گذشت یک‌سال از کشتار فجیع و بی‌رحمانه‌ی حجاج بی‌دفاع و زائران مؤمن و موحد به‌وسیله‌ی نوکران امریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند. آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به‌خاک‌وخون‌کشیدن بهترین بندگان حق، نه تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت. مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار، عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم-علیه السلام- که ده‌ها بار از مصاف با جهان‌خواران و اذنان آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند. و بار دیگر امریکا و آل سعود، برخلاف راه‌ورسم آزادی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی‌پناه ما کشته‌ها گرفتند، و در آخرین لحظات نیز با ناجوان‌مردی و قساوت، بر پیکر نیمه‌جان سال‌خوردگان و بر دهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟...

انتقام از کسانی که از خانه‌ی خویش به سوی خانه‌ی خدا و خانه‌ی مردم هجرت نموده‌بودند! انتقام از کسانی که سال‌ها کوله‌بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده‌بودند. انتقام از کسانی که هم‌چون ابراهیم-علیه السلام- از بت‌شکنی برمی‌گشتند، شاه را شکسته‌بودند، شوروی و امریکا را شکسته‌بودند، کفر و نفاق را خرد کرده-بودند. همان‌ها که پس از طی آن همه راه‌ها، با فریاد « وَ اُذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا ^(۲) » پابره‌نه و سربرهنه آمده‌بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا آمده‌بودند تا با آب زمزم، گردوغبار سفر را از چهره بزدايند، و عطش خویش را در زلال مناسک حج برطرف نمایند و با توانی بیش‌تر مسئولیت‌پذیر گردند و در سیر و سیورورت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دل‌بستگی به دنیا را از تن به‌درآورند. همان‌ها که برای نجات محرومان و بندگان خدا، راحتی راحت‌طلبان را بر خود حرام، و مُحرم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده‌ی زرخرید امریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچ‌کس جز خدا نروند. آمده‌بودند که دوباره به محمد-صلی الله علیه و آله و سلم- بگویند که از مبارزه خسته نشده‌اند و به‌خوبی می‌دانند که ابی‌سفیان و ابی‌لهب و ابی‌جهل برای انتقام در کمین نشستند، و با خود می‌گویند مگر هنوز لات و هُبَل در کعبه‌اند.

آری، خطرناک‌تر از آن بت‌ها، اما در چهره و فریبی نو. آن‌ها می‌دانند که امروز، حرم، حرم است اما نه برای ناس، که برای امریکا! و کسی که به امریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه‌ی ذرات وجود و همه‌ی حرکات و سکنات انقلاب‌شان مناسک ابراهیم را زنده کرده-است، و حقیقتاً می‌رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دل‌نشین «لبیک، اللهم لبیک» معطر سازد. آری، در منطق استکبار جهانی هرکه بخواهد برائت از کفر و شرک را پیاده‌کند متهم به شرک خواهد شد، و مفتی‌ها^(۳) و مفتی‌زادگان، این نوادگان بَلَعَم باعوراها^(۴)، به قتل و کفر او حکم خواهند داد. بالأخره در تاریخ

اسلام می‌بایست آن شمشیر کفر و نفاق‌ی که در لباس دروغین احرام یزیدیان و جیره‌خواران بنی‌امیه-علیهم لعنة الله- برای نابودی و قتل بهترین فرزندان راستین پیامبر اسلام، یعنی حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین-علیه السلام- و یاوران باوفای او، پنهان شده‌بود مجدداً از لباس همان میراث‌خواران بنی‌سفیان به‌درآید و گلوی پاک و مطهر یاوران حسین-علیه السلام- را در آن هوای گرم، در کربلای حجاز و در قتل‌گاه حرم، پاره کند، و همان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسلام زدند و آنان را خارجی و ملحد و مشرک و مهدورالدم معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند، که ان شاء الله ما اندوه دل‌مان را در وقت مناسب با انتقام از امریکا و آل سعود برطرف خواهیم‌ساخت و داغ و حسرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دل‌شان خواهیم‌نهاد، و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست نااهلان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم‌شد.

اما زائران کشورها که یقیناً با کنترل و ارعاب دولت‌ها و حکومت‌هایشان به مکه سفر کرده‌اند، جای دوستان و برادران و حامیان و هم‌سنگران واقعی خود را در میان خود، خالی خواهند‌یافت. آل سعود برای پرده‌پوشی جنایات هولناک سال گذشته‌ی خود و هم‌چنین توجیه صدّ عن سبیل الله^(۵) و منع حجاج ایرانی از ورود به حج، زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد‌داد، و آخوندهای درباری و مفتی‌های خودفروخته- لعنة الله علیهم- در کشورهای اسلامی، خصوصاً حجاز، توسط رسانه‌ها و مطبوعات، دست به نمایش‌ها و سخنرانی‌ها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران درباره‌ی فهم و درک فلسفه‌ی واقعی حج و نیز پی‌بردن به ماجرای ازپیش‌طراحی‌شده‌ی شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا، تنگ خواهند‌نمود. و مسلم در چنین شرایطی، رسالت زائران، بسیار سنگین است.

بزرگ‌ترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه‌ی واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده‌اند، و حج با آن‌همه راز و عظمتی که دارد، هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بی‌حاصل و بی‌ثمر باقی مانده است. یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی‌بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند. چیزی که تابه‌حال از ناحیه‌ی ناآگاهان و یا تحلیل‌گران مغرض و یا جیره‌خواران، به عنوان فلسفه حج ترسیم شده‌است، این است که حج، یک عبادت دسته‌جمعی و یک سفر زیارتی-سیاحتی است. به حج چه که چگونه باید زیست و چه-طور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه‌داری و کمونیسم ایستاد؟! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند؟! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره‌اندیشی نمود؟! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان، خودنمایی کنند؟! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت‌های وابسته بشوراند؟! بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس! و حال آن‌که حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب‌خانه است. و حج تنها حرکات و اعمال و لفظ‌ها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی‌رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام‌آور و ایجاد و بنای جامعه‌ای به‌دور از ردایل مادی و معنوی است. حج، تجلی و تکرار همه‌ی صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه‌ی متکامل در دنیاست و مناسک حج، مناسک زندگی است. و از آن‌جا که جامعه‌ی امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد-صلی الله علیه

و آله و سلم- پیوند خورد و یکی گردد و ید واحده شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج، عرصه‌ی نمایش و آیین‌های سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. حج به‌سان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و دردآشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرورفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا، گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج، به‌سان قرآن مهجور گردیده است. و به همان اندازه‌ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجاب‌های خود-ساخته‌ی ما پنهان شده است و این گنجینه‌ی اسرار آفرینش، در دل خروارها خاک کج‌فکری‌های ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه‌ی زندگی‌ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است، سرنوشتی که میلیون‌ها مسلمان هر سال به مکه می‌روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می‌گذارند، ولی هیچ‌کس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد-علی‌هما السلام- که بودند و چه کردند؟ هدفشان چه بود؟ از ما چه خواسته‌اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی‌شود، به همین است.

مسلم حج بی روح و بی تحرک و قیام، حج بی برائت، حج بی وحدت، و حجی که از آن هدم کفر و شرک بر-نیاید، حج نیست. خلاصه، همه‌ی مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه‌های زندگی‌شان کوشش کنند، و محققان متعهد اسلام با ارائه‌ی تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه‌ی حج، همه‌ی بافته‌ها و تافته‌های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.

اما آن‌چه زائران عزیز باید بدانند این‌که امریکا و آل سعود حادثه‌ی مکه را یک مبارزه فرقه‌ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده، و ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به یک امپراتوری بزرگ را در سر می‌پرورانند معرفی می‌کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه‌های شوم جهان‌خواران بی‌خبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه‌ی ما برای کسب آزادی ملت‌ها در مسیر کسب قدرت سیاسی‌مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است. البته برای ما و همه‌ی اندیشمندان و محققانی که از نیات پلید تشکیلات آل سعود باخبرند، جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سرداده است و در همه‌ی حوادث جهان اسلام، خود را شریک غم و شادی مسلمانان می‌داند، تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند، و یا بالاتر از آن، زائرانی را که به عشق زیارت مرقد پیامبر و حرم امن الهی به حجاز رفته‌اند به لشکرکشی و تشکل برای تصرف کعبه و آتش‌زدن حرم خدا و تخریب مدینه‌ی پیامبر متهم نمایند! و دلیل و مدرک این-کار را حضور پاسداران و نظامیان و مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند! آری، در منطق آل سعود، نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد، و این‌گونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشکری تعجب‌آور و توطئه‌انگیز می‌شود. از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آن‌ها را به حج چه کار؟! دست‌نشانندگان امریکا، آتش‌زدن پرچم امریکا را به حساب آتش‌زدن حرم، و شعار مرگ بر شوروی و امریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته‌اند، و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام، به عنوان رهبران توطئه معرفی کرده‌اند!

واقعیت این است که دُول استکباری شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی، عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه‌ی سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرت‌ها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه‌ی اصول و موازین خودساخته و بین‌المللی می‌دانند. اما در بخش قرنطینه‌ی سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده‌اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد، همه‌ی قوانین و مقررات و فرمول‌ها، همان قوانین دیکته‌شده و دل‌خواه نظام‌های دست‌نشانندگان و دربرگیرنده‌ی منافع مستکبران خواهد بود. و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش، همان حاکمان تحمیل‌شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریادزدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها، جرم و گناهی نابخشودنی می‌دانند. و منافع جهان‌خواران ایجاب می‌کند که هیچ‌کس حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند، ندارد. و از آن‌جا که مسلمانان جهان به علت فشار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبت‌هایی را که حاکمان کشورشان بر آن‌ها تحمیل کرده‌اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصایب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان چاره‌ای بیندیشند. لذا ما بر این مطلب پافشاری و اصرار می‌کنیم که مسلمانان، حداقل در خانه‌ی خدا و حرم امن الهی، خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان آزاد ببینند و در یک مانور بزرگ، از چیزی که از آن متنفرند اعلام برائت کنند و از هر وسیله‌ای برای رهایی خود استفاده نمایند. حکومت آل سعود مسئولیت کنترل زائران خانه خدا را به‌عهده گرفته‌است. و این‌جاست که با اطمینان می‌گوییم که حادثه‌ی مکه، جدای از سیاست اصولی جهان‌خواران در قلع و قمع مسلمانان آزاده نیست.

ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم. و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن، روزی این‌کار صورت خواهد گرفت و ان شاء الله روزی همه‌ی مسلمانان و دردمندان، علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرت‌ها و نوکران و جیره‌خواران‌شان از منفورترین موجودات جهان هستند.

کشتار زائران خانه‌ی خدا توطئه‌ای برای حفظ سیاست‌های استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی- صلی الله علیه و آله و سلم- است و کارنامه‌ی سیاه و ننگین حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه‌جان اسلام و مسلمین دارد. پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده‌است که متأسفانه با سیاست- های غلط حاکمان دست‌نشانده، به خاک مذلت نشسته‌اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه‌ی قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه‌های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتل‌عام زائران خانه‌ی خدا را فراموش می‌کنند؟ مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون‌های فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند، که از یک طرف، اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام مآلهای کثیفِ درباری، اسلام مقدس‌نماهای بی‌شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پابرنه‌ها، و در یک کلمه، اسلام امریکایی را ترویج می‌کنند، و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، امریکای جهان‌خوار، می-

گذارند. مسلمانان نمی‌دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و خادم‌الحرمین، به اسرائیل اطمینان می‌دهد که ما اسلحه‌ی خودمان را علیه شما به کار نمی‌بریم! و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می‌کنند. واقعاً چه قدر باید رابطه‌ی سران کشورهای اسلامی با صهیونیست‌ها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه‌ی صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر این‌ها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یک چنین معامله‌ی کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن‌فروشی نمی‌شدند. آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم‌آور نیست؟ و تماشاچی شدن گناه و جرم نمی‌باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا به پاخیزد و این همه ننگ و عار را تحمل نکند؟ راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی، احساسات یک میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحه بر آن - همه فجایع صهیونیست‌ها بگذارند، و دوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند؟

حال، مسلمانان باور می‌کنند که زائران ایرانی، برای اشغال خانه‌ی خدا و حرم پیامبر قیام کرده‌اند و می‌خواهند کعبه را دزدیده به قم ببرند! اگر مسلمانان جهان باور کرده‌اند که سران آن‌ها دشمنان واقعی امریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان هم در مورد ما را، باور می‌کنند.

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که درصد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه‌ی جهان‌خواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا، نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما درصد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند، نابود کنیم، و نظام اسلام رسول الله -صلی الله علیه و آله و سلم- را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملت‌های دربند، شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باج‌خواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه‌ی قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می‌کنیم. ان شاء الله ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه‌ی عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود و از خدا می‌خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه‌ی مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم.

مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی‌انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهان -خواران آفریده است، احساس غرور و آزادی کنند، و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخم‌های خود مرهم گذارند، که دوران بن‌بست و ناامیدی و تنفس در منطقه‌ی کفر به سر آمده - است، و گلستان ملت‌ها رخ نموده است. و امیدوارم همه‌ی مسلمانان، شکوفه‌های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گل‌های محبت و عشق و چشمه‌سار زلال جوشش اراده‌ی خویش را نظاره کنند. همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست امریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده‌اند به درآییم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است، روانه شویم، و پرده‌ی کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس امریکا و امریکازاده‌ها، آلوده شده است، با اشک چشم خویش شست‌وشو دهیم. مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آن جا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بر وحشت از

مرگ غلبه کنید، و از وجود جوانان پرشور و شهادت‌طلبی که حاضرند خطوط جبهه‌ی کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید، بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید، که عزت و حیات در سایه‌ی مبارزه است. و اولین گام در مبارزه، اراده است. و پس از آن، تصمیم بر این که سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً امریکا را بر خود حرام کنید.

ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روح‌مان با ابراهیم و در مکه است. دروازه‌های مدینه‌الرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته‌ی محبت‌مان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی‌شود. به‌سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به‌سوی کعبه می‌میریم. و خدا را سپاس می‌گزاریم که در میثاق‌مان با خدای کعبه پایدار مانده‌ایم و پایه‌های برائت از مشرکین را با خون هزاران شهید از عزیزانمان بنیان نهاده‌ایم. و منتظر هم نمانده‌ایم که حاکمان بی‌شخصیت بعضی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه‌ی تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم. و اگر هزار بار قطعه‌قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم برنمی‌داریم.

جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده‌ی جهان که علی‌رغم اختناق سیاسی حاکم بر آن‌ها، با ترتیب کنفرانس‌ها و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها، پرده از اسرار جنایت‌بار امریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند، تشکر می‌نماید.

مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود، و هرروز شیطان بزرگ یا شوروی، به بهانه‌ی حفظ منافع خود، حادثه‌ای را به وجود می‌آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به‌صورت جدی با جهان‌خواران حل نکنند و لاقلاً خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم‌اکنون اگر امریکا، یک کشور اسلامی را به بهانه‌ی حفظ منافع خویش، با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید چنگ و دندان ابرقدرت‌ها و خصوصاً امریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت، یا پیروزی، که در مکتب ما هردوی آن‌ها پیروزی است. که ان شاء الله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاست‌های حاکم و ظالم جهان‌خواران، و نیز جسارت ایجاد داریست‌هایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید، و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

بعضی افراد تا قبل از حادثه‌ی تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه‌ی اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راه‌پیمایی برائت از مشرکین به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می‌کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم، چه ضرورتی به راه‌پیمایی و فریاد مبارزه است، و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده‌شود، چه ضرری متوجه استکبار می‌شود. و چه بسا افراد ساده‌دلی تصور می‌کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهان‌خواران، نه تنها تاب تحمل این‌گونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه‌ی حیات و تظاهرات و راه‌پیمایی خواهند داد. و دلیل این مدعا، اجازه‌ی راه‌پیمایی‌هایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می‌شود. ولی این مسئله باید روشن باشد که آن‌گونه راه-پیمایی‌ها، هیچ‌گونه ضرری برای ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها ندارد. راه‌پیمایی مکه و مدینه است که بسته‌شدن شیرهای نفت عربستان را به‌دنبال دارد. راه‌پیمایی‌های برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می‌شود. و درست به همین جهت است که با کشتار دسته‌جمعی زنان و مردان آزاده، از

آن جلوگیری می‌شود، و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده‌دلان می‌فهمند که نباید سر بر آستان شوری و امریکا نهاد. ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه‌ی مکه، منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه‌ی مناسبی برای ریشه‌کن‌شدن نظام‌های فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی‌نماها خواهد بود و با این‌که بیش‌تر از یک‌سال از حماسه‌ی برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خون‌های پاک شهدای عزیز ما، در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصی نقاط عالم مشاهده می‌کنیم.

حماسه‌ی مردم فلسطین یک پدیده‌ی تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می‌کند که این حماسه را چه کسانی سروده‌اند و هم‌اکنون مردم فلسطین، به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی‌محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه‌ی صهیونیست‌ها مقاومت می‌کنند؟ آیا تنها آوای وطن‌گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست‌بازان خودفروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه‌ی استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ اگر این چنین بود، این‌ها که سال‌هاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده‌اند! شکی نیست که این آوای الله‌اکبر است، این، همان فریاد ملت ماست، که در ایران شاه را و در بیت‌المقدس، غاصبین را به نومیدی کشاند و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج، دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود، فریادِ رسایِ آزادیِ قدس را سر داد و مرگ بر امریکا، شوری و اسرائیل گفت، و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد، او نیز با نثار خون و به رسم شهادت، آرمید. آری، فلسطینی راه گم‌کرده‌ی خود را از راه برائت ما یافت. و دیدیم که در این مبارزه چه‌طور حصارهای آهنین فروریخت، و چه‌گونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد، و چه‌طور خواب بنی‌اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره، کوکب درّیه‌ی فلسطین، از شجره‌ی مبارکه‌ی لاشرقیه و لاغربیه ما برافروخت. و امروز به همان‌گونه که فعالیت‌های وسیعی در سراسر جهان برای به‌سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله‌های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد. و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است. و حال آن‌که معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما، در سراسر جهان رو به فزونی نهاده‌است و ما این‌ها را سرمایه‌های بالقوی انقلاب خود تلقی می‌کنیم و هم آن‌هایی که با مرکب خون، طومار حمایت از ما را امضا می‌کنند و با سر و جان، دعوت انقلاب را لبیک می‌گویند و به یاری خداوند کنترل همه‌ی جهان را به‌دست خواهند گرفت.

امروز جنگِ حق و باطل، جنگِ فقر و غنا، جنگِ استضعاف و استکبار، و جنگِ پابره‌نه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است، و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان، کوله‌بارِ مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم، و سلام و درودهای خالصانه‌ی خود را به همه‌ی غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم، و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می‌کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده‌است، و قلب‌ها و چشمان پرفروغ شما، کانون حمایت از محرومان شده‌است و شراره‌ی کینه‌ی انقلابی‌تان، جهان‌خواران چپ و راست را به وحشت انداخته‌است. البته همه می‌دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب، سختی‌ها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم‌درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند، ولی آن چیزی که همه‌ی مردم ما فراتر از آن را فکر می‌کنند، مسئله‌ی حفظ اسلام و اصول انقلاب

است. مردم ایران ثابت کرده‌اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت.

ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده‌است که در این‌جا مجال ذکر همه‌ی آن‌ها نیست. آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتی‌ها و قایق‌ها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده‌است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازی‌های سیاسی مجامع بین‌المللی مقاومت نکرده‌است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه‌ی عراق به شهرها و موشک‌باران مناطق مسکونی و بمباران‌های مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه، مقاومت نکرده‌است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه‌ی منافقین و لیبرال‌ها و زراندوزی و احتکار سرمایه‌داران و حیل‌های مقدس‌مآبان مقاومت نکرده‌است؟ آیا همه‌ی این حوادث و جریان‌ها، برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده‌است؟ که اگر نبود حضور مردم، هریک از این توطئه‌ها می‌توانست به اصول نظام ضربه بزند. که خدا را سپاس می‌گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار، به رسالت خود عمل کند و صحنه‌ها را ترک نگوید.

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه، با رفاه-طلبی سازگار نیست، و آن‌ها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند، و آن‌هایی هم که تصور می‌کنند، سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد، با نصیحت و پند و اندرز، متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند، آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی، دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند و تنها آن‌هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند.

فقرا و متدینین بی‌بضاعت، گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند. ما باید تمام تلاش‌مان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدایی‌خبر برای از بین بردن انقلاب، هرکس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید، فوراً او را کمونیست و التقاطی می‌خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید.

امریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، مقدس‌نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام؛ اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. این‌ها با قیافه‌ای حق‌به‌جانب و طرفدار دین و ولایت، همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شر این‌ها به خدا پناه ببریم. و هم‌چنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هرچه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آن‌ها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای‌ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود.

ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری، تا آخرین قطره‌ی خون، دفاع خواهیم کرد. امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی، رونق و زرق و برق کاخ‌های سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز، خمینی، آغوش و سینه‌ی خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپ‌ها و موشک‌های دشمنان باز کرده‌است و هم‌چون همه‌ی عاشقان شهادت، برای درک شهادت، روزشماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی‌مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به‌راه اندازیم. ان شاء الله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختی‌های جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می‌کند. و چه شیرینی بالاتر از این که ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر امریکا فرود آمده‌است. چه شیرینی بالاتر از این که ملت ایران، سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستم‌شاهی را نظاره کرده‌است و شیشه‌ی حیات امریکا را در این کشور شکسته‌است و چه شیرینی بالاتر از این که مردم عزیزمان ریشه‌های نفاق و ملی‌گرایی و التقاط را خشکانیده‌اند و ان شاء الله شیرینی تمام‌ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید.

نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش‌رفته‌اند، بلکه آن‌هایی که در پشت جبهه با نگاه محبت‌بار و با دعای خیر خود، جبهه را تقویت نموده‌اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره‌برده‌اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین علیه السلام!

اذناب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود، اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام، تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی این‌ها خیالات باطل ملی‌گراهاست. ما هدف‌مان بالاتر از آن است. ملی‌گراها تصور نمودند ما هدف‌مان پیاده‌کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت، با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم لاله‌الاله را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی‌ام، و ای نیروهای مردمی، هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که این‌ها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت. پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسراء، مفقودین و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آن چه فرزندان آنان به‌دست آورده‌اند، کم نشده‌است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه‌ی اطهارند. پیروزی و شکست برای آن‌ها فرقی ندارد.

امروز روز هدایت نسل‌های آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا این‌گونه خواسته‌است و دیروز خدا آن‌گونه خواسته بود و فردا ان شاء الله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هرچه هست، ما در مقابل آن خاضعیم. و ما تابع امر خداییم، و به‌همین دلیل، طالب شهادتیم. و تنها به‌همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم.

همه می‌دانند که ما شروع‌کننده‌ی جنگ نبوده‌ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان، تنها از خود دفاع کرده‌ایم. و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله‌ی جهان‌خواران بوده‌است، و استکبار، از همه‌ی

کمین‌گاه‌های سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده‌است. انقلاب اسلامی ما تاکنون کمین‌گاه شیطان و دام صیادان را به ملت‌ها نشان داده‌است. جهان‌خواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته‌شدن نونهالان و به‌چاه‌افتادنِ مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم. و حال آنکه این وظیفه‌ی اولیه‌ی ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدا زنیم که ای خواب‌رفتگان! ای غفلت‌زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که این‌جا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! امریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند، و تا نابودی کامل‌تان، از شما دست برنخواهند داشت. راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده‌بود، کسی جرأت این‌همه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول الله-صلی الله علیه و آله و سلم- داشت؟ امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگ‌ترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی امریکا و اروپا در خلیج فارس صف‌آرایی نمود. و این‌جانب به نظام‌های امریکایی و اروپایی اخطار می‌کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرو نرفته‌اید، از خلیج فارس بیرون روید. و همیشه این‌گونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود، که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آب‌های خلیج فارس بفرستند. به دولت‌ها و حکومت‌های منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می‌گوییم که همه‌ی شما در ماجراجویی‌ها و جنایاتی که امریکا می‌آفریند شریک جرم خواهید بود. و ما تا به حال از این‌که همه‌ی منطقه در کام آتش و خون و بی‌ثباتی کامل غوطه‌ور نشود، دست به عملی نزده‌ایم، ولی حرکات جنون‌آمیز ریگان، مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می‌کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید، بازنده‌اید. خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر امریکا این قدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید.

بحمدالله، از برکت انقلاب اسلامی ایران دریچه‌های نور و امید به‌روی همه‌ی مسلمانان جهان باز شده‌است، و می‌رود تا رعدوبرق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه‌ی مستکبران فرو ریزد. نکته‌ی مهمی که همه‌ی ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی، استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه‌ی هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته‌ی قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی‌دارند مگر این‌که شما را از دین‌تان برگردانند. ما چه خواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و امریکا و شوروی در تعقیب‌مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند. بعضی مغرضین، ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه‌توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند، و با دلسوزی‌های بی‌مورد و اعتراض‌های کودکانه می‌گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنی‌ها شده‌است و از چشم غرب و شرق و ایادی‌شان افتاده‌است! که چه خوب است به این سؤال پاسخ داده‌شود که ملت‌های جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربی‌ها و شرقی‌ها احترام و اعتبار داشته‌اند که امروز بی‌اعتبار شده‌اند؟! آری، اگر ملت ایران از همه‌ی اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه‌ی عزت و اعتبار پیامبر و ائمه‌ی معصومین-علیهم السلام- را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان‌خواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ، به رسمیت بشناسند، ولی در همان حدی که آن‌ها آقا باشند ما نوکر، آن‌ها ابرقدرت باشند ما

ضعیف، آن‌ها ولی و قیّم باشند، ما جیره‌خوار و حافظ منافع آن‌ها، نه یک ایران با هویت ایرانی-اسلامی، بلکه ایرانی که شناسنامه‌اش را امریکا و شوروی صادر کند، ایرانی که ارابه‌ی سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه‌ی مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت-الحمایگی آنان خارج شده‌است، که دیگران را هم به خروج از سلطه‌ی جباران دعوت می‌کند. کنترل و حذف سلاح‌های مخرب از جهان، اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته‌ی همه‌ی ملت‌هاست، ولی این نیز یک فریب قدیمی است. و این، همان چیزی است که اخیراً از گفته‌های سران امریکا و شوروی و نوشته‌های سیاسیون آن‌ها آشکار گردیده‌است که مراودات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیش‌تر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابرهنه‌ها و محرومین در جهان مالکیت‌های بی‌حدومرز سرمایه-داران است.

ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه‌ی متحد شرق و غرب، جبهه‌ی قدرت‌مند اسلامی-انسانی، با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود، و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته‌شود. مطمئن باشید قدرت‌های شرق و غرب، همان مظاهر بی‌محتوای دنیای مادی‌اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزش‌های معنوی، قابل ذکر نمی‌باشند.

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیش‌برد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران، برای همیشه حامی و پناه‌گاه مسلمانان آزاده‌ی جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و هم‌چنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد.

و اما در مورد قبول قطعنامه، که حقیقتاً مسئله‌ی بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چندروز قبل، معتقد به همان شیوه‌ی دفاع و مواضع اعلام‌شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به‌واسطه‌ی حوادث و عواملی، که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم، و در مقطع کنونی، آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه‌ی ما و عزت و اعتبار ما، باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن‌نهییم و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز، چنین بوده و خواهد بود.

من در این جا از همه‌ی فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون، که از اول جنگ تا امروز، به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم و همه‌ی ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می‌کنم.

در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی، در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره‌ی خون‌ها و شهادت‌ها و ایثارها چه شد. این‌ها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه‌ی شهادت بی‌خبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته‌است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده‌است، حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدان مان فاصله‌ی طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان، آن را جست‌وجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده‌است. خون شهیدان برای ابد، درس مقاومت به جهانیان داده‌است و خدا می‌داند که راه‌ورس‌م شهادت، کورشدنی نیست، و این ملت‌ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت، مزار عاشقان و عارفان و دل‌سوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.

خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله‌ی نور، جان و سر باختند! خوشا به حال آن‌هایی که این‌گوهرها را در دامن خود پروراندند! خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را هم‌چنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت، تو خود این چراغ پرفروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهید! و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سرکشیده‌ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ، احساس شرمساری می‌کنم. و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آن‌هایی که از کنار این معرکه‌ی بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی، تابه‌حال ساکت و بی‌تفاوت و یا انتقاد-کننده و پرخاشگر گذشتند! آری، دیروز، روز امتحان الهی بود، که گذشت و فردا، امتحان دیگری است که پیش می‌آید. و همه‌ی ما نیز روز محاسبه‌ی بزرگ‌تری را در پیش رو داریم. آن‌هایی که در این چندسال مبارزه و جنگ، به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره‌رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندان‌شان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره‌رفته‌اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه‌ی حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه‌ی مردم و مسئولین عرض می‌کنم که حساب این‌گونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا، جدا سازند، و نگذارند این مدعیان بی‌هنر امروز و قاعدین کوتاه‌نظر دیروز، به صحنه‌ها برگردند. من در میان شما باشم و یا نباشم به همه‌ی شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیش‌کسوتان شهادت و خون، در پیچ‌وخم زندگی روزمره‌ی خود، به فراموشی سپرده شوند.

اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران، به معنای حل مسئله‌ی جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه‌ی تبلیغات جهان‌خواران علیه ما، کند شده‌است، ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به طور قطع و جدی پیش‌بینی نمود و هنوز دشمن از شرارت‌ها دست برنداشته‌است، و چه بسا با بهانه‌جویی‌ها، به همان شیوه‌های تجاوزگرانه‌ی خود ادامه‌دهد. ما

باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما، تاکتیک جدید در ادامه‌ی جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه‌ها، حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما، هرگز نباید از کید و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد.

مردم ما، که در طول سال‌های جنگ و مبارزه، ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهان‌خواران در شیوه‌ها و شکل‌های مختلف را جدی‌تر بدانند. و فعلاً، چون گذشته، تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج، در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریت‌های خود ادامه‌دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه‌ی انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاریم برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب، تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت، ولی در مقطع کنونی، به طور جدّ از همه‌ی گویندگان و دست‌اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه‌ها و مطبوعات می‌خواهم، که خود را از معرکه‌ها و معرکه‌آفرینی‌ها دور کنند، و مواظب باشند که ناخودآگاه، آلت دست افکار و اندیشه‌های تند نگردند، و با سعه‌ی صدر، در کنار یکدیگر، مترصد اوضاع دشمنان باشند.

در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود، صحبت از چراها و باید‌ها و نباید‌ها کنند. هرچند این مسئله به خودی‌خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آن‌هایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه‌گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح‌طلبی به ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز با همان هدف، سخنان فریبنده‌ی دیگری را مطرح نمایند، و جیره‌خواران استکبار، همان‌ها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت، به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند، و ملی‌گرای بی‌فرهنگ، برای ازبین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند، که ان شاء الله ملت عزیز ما، با بصیرت و هوشیاری، جواب همه‌ی فتنه‌ها را خواهد داد.

من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم، و نکته‌ای که تذکر آن لازم است، این است که در قبول این قطعنامه، فقط مسئولین کشور ایران، به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته‌است.

مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم و شما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم و شما را می‌شناسم، شما هم مرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آن چه موجب امر شد، تکلیف الهی‌ام بود. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته‌بودم که تا آخرین قطره‌ی خون و آخرین نفس بجنگم، اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آن چه گفتم، گذشتم و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم! شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم.

خداوندا! تو می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم. خداوندا! تو می‌دانی که استکبار و امریکای جهان‌خوار، گل‌های باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا! در جهان ظلم و ستم و بی‌داد، همه تکیه‌گاه ما تویی، و ما تنهای تنهایییم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته‌ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن،

که تو بهترین یاری‌کنندگانی. خداوندا! تلخی این‌روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیة‌الله-ارواحنا لتراب مقدمه الفداء- و رسیدن به خودت جبران فرما.

فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرورِ مقدّس‌تان دست‌بردارید، شما بدانید که لحظه‌لحظه عمرِ من در راهِ عشقِ مقدّسِ خدمت به شما می‌گذرد. می‌دانم که به شما سخت می‌گذرد، ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که شهادت شیرین‌تر از عسل در پیش شماست، مگر برای این‌خادم‌تان این‌گونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه‌ی انقلابی‌تان را در سینه‌ها نگه‌دارید، با غضب و خشم بر دشمنان‌تان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شماست. و تأکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند. آن‌ها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده‌است. که ان شاء الله خداوند همه‌ی ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.

من در این‌جا به جوانان عزیز کشورمان، به این‌سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوشکفته‌ی جهان اسلام، سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید، و خودتان را برای یک مبارزه‌ی علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید. و من به همه‌ی مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن، وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید، و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید، و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه‌دارید. مبدا اساتید و معلمینی که به‌وسیله‌ی معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدّن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای‌ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بت‌تراشند و روحیه‌ی پی‌روی و تقلید و گدافتگی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به‌جای این‌که گفته‌شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم، به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه‌ورسَم استقلال را زنده نگه‌دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌ایم آن‌همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفت‌ها داشته باشیم. ان شاء الله در شرایط بهتر، زمینه‌ی کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه‌ی امور فراهم می‌سازیم. مبارزه‌ی علمی برای جوانان زنده کردن روح جست‌وجو و کشف واقعیت‌ها و حقیقت‌هاست، و اما مبارزه‌ی عملی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته‌است.

و نکته‌ی دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم این است که در مسیر ارزش‌ها و معنویات، از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید، و هیچ‌گاه و تحت هیچ‌شرایطی، خود را بی-نیاز از هدایت و هم‌کاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام، در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط، همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت، به تعلیم و تربیت و هدایت نسل‌ها همت گماشته‌اند و همیشه پیش‌تاز و سپرِ بلا‌ی مردم بوده‌اند، بر بالای دار رفته‌اند و محرومیت‌ها چشیده‌اند، زندان‌ها رفته‌اند و اسارت‌ها و تبعیدها دیده‌اند، و بالاتر از همه، آماج طعن‌ها و تهمت‌ها بوده‌اند، و در شرایطی که بسیاری از روشن‌فکران در مبارزه با طاغوت، به یأس و ناامیدی رسیده‌بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده‌اند، و هم‌اکنون نیز در هر سنگری از خطوطِ مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمند، و در هر حادثه‌ی غم‌بار و مصیبت‌آفرینی، شهدای بزرگواری را

تقدیم نموده‌اند. در هیچ‌کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه‌ی هدی-علیهم السلام- و انقلاب اسلامی ایران، سراغ نداریم که رهبران انقلاب آن‌قدر آماج حملات و کینه‌ها گردند و این به‌خاطر صداقت و امانت‌داری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است. مسئولیت‌پذیری در کشوری که با محاصره‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است، کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاری‌های بیش‌تر آماده کنند، و در مواقع لزوم و ضرورت، از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند. و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران، قدر خادمان واقعی خود را می‌شناسد، و فلسفه‌ی عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس، در یک‌کلمه خلاصه می‌کند. علما و روحانیون متعهد اسلام، هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی‌کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبت‌ها هر وقت نام روحانیت را به میان آورده‌ام و از آنان قدردانی نموده‌ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است، که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد و روحانیون وابسته، ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیش‌تر است و همیشه این دسته از روحانیون، مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند، و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس‌مآب و دین‌فروش زده‌اند و می‌زنند، و روحانیون متعهد ما، همواره از این بی‌فرهنگ‌ها متنفر و گریزان بوده‌اند.

من به صراحت می‌گویم ملی‌گراها اگر بودند، به‌راحتی در مشکلات و سختی‌ها و تنگناها، دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند، و برای این‌که خود را از فشارهای روزمره‌ی سیاسی برهانند، همه‌ی کاسه‌های صبر و مقاومت را یک‌جا می‌شکستند و به همه‌ی میثاق‌ها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود، پشت‌پا می‌زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان‌خواران را نمی‌دانیم، ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز، آن‌ها که با روحانیت اصیل کینه-ی دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادت‌های خود را نمی‌توانند پنهان سازند، آنان را به باد ناسزا گیرند، ولی در هر حال، آن‌چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست، سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است، که اگر بندگان استخوان‌های مان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‌های آتش-مان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگان مان به اسارت و غارت برند، هرگز امان‌نامه-ی کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.

علما و روحانیون، ان شاء الله به همه‌ی ابعاد و جوانب مسئولیت خود، آشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌کنم، امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان، در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز، حرف‌های آنان را بشنوند و اگر بی‌راهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی، راه راست اسلامی را نشان آن‌ها دهید و باید به این‌نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ‌التقاط و انحراف بر نوشته‌هایشان زد و همه را یک‌باره به وادی تردید و شک انداخت. این‌ها که امروز این‌گونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دل‌شان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، و الا داعی ندارند که خود را با طرح این‌مسائل به دردسر بیندازند. این‌ها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان‌گونه‌ای است که خود فکر می‌کنند. به‌جای پرخاش و کنار زدن آن‌ها با پدری و الفت با آنان

برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مایوس نشوید. در غیر این صورت، خدای ناکرده به دام لیبرال‌ها و ملی-گراها و یا چپ و منافقین می‌افتند، و گناه این، کم‌تر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده‌ی کشور و آینده‌سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه‌ی شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود، احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که باتجربه و لمس واقعیت‌ها بیش‌تر عادت کرده‌است، تا فرهنگ‌نظری و فلسفی. باید با تلفیق این‌دو فرهنگ و کم‌کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد. نکته‌ی دیگر این‌که من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم. و امروز هم این‌ارزش، نه تنها نباید به فراموشی سپرده‌شود، که باید بیش‌تر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیچ‌وسيله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزی‌های بی‌مورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند، و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرف‌داری از سرمایه‌داری و سرمایه‌داران متهم نمایند. در این شرایط حساس و سرنوشت‌سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوء استفاده‌ی دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید به‌شدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمان‌ها و انجمن‌ها و تشکیلات سیاسی و غیر آن‌ها با ظاهری صددرصد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند، و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رودرروی یک‌دیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به‌در روند حمایت از محرومین و پابرنه‌هاست، چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده‌است. ما باید تحت هرشرایطی خود را عهده‌دار این‌مسئولیت بزرگ بدانیم و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده‌ایم.

در خاتمه، از پیش‌گاه مقدّس پروردگار، که الطاف بی‌کران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می‌کنم و از محضر مقدّس بقیةالله-ارواحنا فداه- عاجزانه می‌خواهیم که ما را در مسیر و هدفمان، مدد و رهبری فرماید. خداوند متعال به خانواده‌های شهدا، صبر و اجر، و به مجروحین و معلولین، شفا عنایت فرماید، و اسرا و مفقودین را به وطن خویش بازگرداند. خداوندا، از تو می‌خواهیم آن‌چه را مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی. إِنَّكَ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ.

و السلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

پنجم ذیحجه‌ی ۱۴۰۸

۱۳۶۷/۴/۲۹

روح‌الله الموسوی الخمینی

(۱) سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۷؛ هر آینه خداوند حقیقت خواب رسولش را آشکار ساخت که حتماً شما مؤمنین به‌خواست خدا، با دل ایمن وارد مسجدالحرام خواهیدشد.

(۲) بخشی از آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی حج؛ و مردم را به انجام مناسک حج ندا ده تا پیاده و سواره از دورترین نقاط به‌سوی تو گرد-آیند.

(۳) فتوا دهندگان.

(۴) از علمای بنی اسرائیل که در حق حضرت موسی بدی کرد و به مخالفت او برخاست.